



صافی ناز کاظم که برای قلم شهید دکتر شقافی ویژگی و صلابت خاصی قائل است، نقطه آشنایی خود با نوشته ایشان را این ویژگی شهید ذکر کرده و معتقد است که ژرفنگری و بینش سیاسی و عمق آگاهی‌های این شهید، چنان قدرتی در تجزیه و تحلیل مسائل به او داده بود که از او مجاهدی به تمام معنی ساخته بود. از زبان این اندیشمند و نویسنده زن مصری از شهید می‌خوانیم.

■ گفتگوی شاهد یاران با خانم صافی ناز کاظم، نویسنده و اندیشمند مصری

## شهید شقافی شعر نوشت و به سوی قله شهادت صعود کرد...

این باور بود که پیروزی را با چشمان خود مشاهده کنیم، مقاومت و ناامیدی باشیم پیروزی را با چشمان خود مشاهده کنیم، مقاومت و ناامیدی خود نوعی پیروزی است. وظیفه داریم نهال مقاومت را پرورش دهیم و آن را پاس بداریم تا رشد کند. نسل‌های آینده بی‌تردید میوه‌های پاک و شیرین پیروزی را به دست می‌آورند. میوه تلخ را که از پیشینیان به ارث برده‌ایم به خاک می‌سپارند. اولین ملاقات شما با دکتر به چه مناسبتی بوده است؟ اولین بار که در سال ۱۹۸۱ با دکتر ملاقات کردم، هنگامی است که در اعتراض به اقدامات وحشیانه صدام حسین بر ضد مردم مظلوم عراق به قاهره بازگشتم. در آن مدت آیت‌الله سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی به دست صدام به شهادت رسیدند. در ماه ژوئن سال ۱۹۸۰ از عراق خارج شدم. در قاهره با مجله المختار الاسلامی آشنا شدم. آن روز دو نویسنده برجسته به نام‌های عزالدین الفارس و احمد صادق در این مجله مقاله می‌نوشتند. عزالدین الفارس که بعداً اطلاع یافتیم فتحی شقافی است، مقاله‌ای تحت عنوان «چرا او را کشتند» درباره چگونگی و علت به شهادت رساندن سید محمد باقر صدر در مجله المختار الاسلامی منتشر کرده بود. با آن دو نویسنده تماس گرفتم و اظهار تمایل کردم که آنها آشنا شوم. به هر حال آن دو نویسنده که دانشجوی دانشگاه الزقازیق بودند (فتحی شقافی و احمد صادق) به خانه‌ام آمدند و درباره رویدادهای عراق و جنایات وحشیانه صدام و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بحث و تبادل نظر کردیم. در حقیقت نسبت به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) ابراز خرسندی کردیم و احساس کردیم که شیفته دیدگاه‌ها و اندیشه‌های امام شده‌ایم. هر چند که از نزدیک با تجربه انقلاب اسلامی ایران آشنا نبوده‌ایم اما این روحیه را داشتیم که در سایه رهنمودهای رهبری انقلاب در مسیر آن گام برداریم. من شخصاً به مطالعه کتاب‌های سید قطب که در سال ۱۹۶۶ در مصر به شهادت رسید، علاقه‌داشتم و با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران احساس کردم خواسته‌ها و اهداف سید قطب توسط امام خمینی (ره) تحقق می‌یابد. با مسائل اختلاف برانگیز و فرقه‌گرایی مبارزه کردیم و در ادبیات خود فلسطین را قضیه مرکزی مسلمانان و محور مبارزه حق و باطل قرار دادیم. در سپتامبر سال ۱۹۸۱ انور سادات حمله گسترده‌ای را برای بازداشت اسلام‌گرایان مصری آغاز کرد. من هم یکی از بازداشت شدگان بودم. فتحی شقافی و احمد صادق نیز احساس کردند در آستانه بازداشت قرار گرفته‌اند بنابراین خاک مصر را ترک گفته و به نوار غزه انتقال یافتند. از آن پس از طریق مکتبه و مقاله‌نویسی در نشریات گوناگون جنبش جهاد، روابط فکری‌مان را ادامه دادیم. اوضاع فلسطین را پس از گذشت ۱۲ سال از شهادت شقافی چگونه

\*\*\* در چه زمانی با معلم شهید آشنا شدید و چه همکاری فکری با هم داشته‌اید؟ در تابستان سال ۱۹۸۱، برای اولین بار با دکتر شقافی هنگامی که در دانشگاه الزقازیق مصر در رشته پزشکی تحصیل می‌کرد آشنا شدم. آن زمان حدود ۳۰ سال سن داشت. چهره بشاش و خندان او را فراموش نمی‌کنم. او به مرکز پژوهش‌های مجله المختار الاسلامی می‌آمد و مقالات خود را به نام مستعار «عزالدین الفارس» منتشر می‌کرد. این نام را از نام شهید «عزالدین القسام» قهرمان انقلاب فلسطین در سال ۱۹۲۶ اقتباس کرده بود. هنگامی که به دفتر مجله المختار الاسلامی می‌آمد، سرشار از امید به آینده بود. با آغوش باز سختی‌ها را تحمل می‌کرد و بر آن چیره می‌شد. با چشمان دورنگر خود به افق‌های روشن می‌نگریست، برگ‌های شعر و مثنوی زیبا در دست داشت. رویدادهای تاریخ را شرح می‌داد، بحث‌های طولانی ارائه می‌داد. بحث‌هایی که در آن برهه هیچ نویسنده و پژوهشگری به آن توجه نداشت. با تحلیل‌های دورنگرانه‌اش جوانان را نسبت به رویدادهای روز آگاه می‌ساخت و راه حل ارائه می‌داد. او معتقد بود که ما میوه‌چین تلخکامی اشتباهات فاحش گذشتگان هستیم. گذشتگانی که قربانی اختیالوس غرب‌گرایی و غرب‌زدگی شدند و اصالت ملی‌شان را از دست دادند. گذشتگانی که خود را فراموش کردند و با منافع دشمن همراه شدند و از بین رفتند. آنها به سنت الهی و آیین اسلام پشت کردند. شهید شقافی همواره در مقاله‌ها و اشعار خود می‌کوشید آتش مقاومت و خشم ملت‌های ستمدیده را روشن نگه دارد. هر چند که کم‌رنگ بوده باشد. این مهم نیست کم‌رنگ باشد. چرا که روزی دامنه آن گسترش می‌یابد و اراده مردم به پیروزی می‌رسد. روحیه مقاومت سرانجام روزی و پل‌سگرایان و سازشکاران را شکست می‌دهد. او بر

### شیرین فتحی شقافی

او معتقد بود که ما میوه‌چین تلخکامی اشتباهات فاحش گذشتگان هستیم. گذشتگانی که قربانی اختیالوس غرب‌گرایی و غرب‌زدگی شدند و اصالت ملی‌شان را از دست دادند.

مقدمه از صافی ناز کاظم این روزها مصادف است با دوازدهمین سالگرد شهادت دکتر فتحی شقافی، بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی فلسطین. عوامل «موساد» ۲۶ اکتبر سال ۱۹۹۵ دستور اسحاق را این نخست‌وزیر معدوم آن رژیم را به مورد اجرا گذاشته و فتحی شقافی را در سن ۴۴ سالگی ترور کردند. تصمیم برای ترور شقافی در شرایطی اتخاذ شد که در این پیش از این اقدام، روز پنجشنبه ۲۸ سپتامبر همان سال در سخنانی در واشنگتن در برابر افکار عمومی جهان اعلام کرد که به صلح با فلسطینی‌ها پایبند است. او در این سخنرانی گفت: «خونریزی کافی است! اشک ریختن کافی است». اسحاق را این در فاصله یک ماهه میان ۲۸ سپتامبر تا ۲۶ اکتبر سال ۱۹۹۵ ثابت کرد که به هیچ پیمانی وفادار نیست. چرا که او یک جنایتکار صلح و جنگ بوده و زیر پا گذاشتن عهد و پیمان او تعجب‌آور نمی‌باشد. او یکی از افرادی است که قرآن کریم درباره آنان گفته است: «الذین ظلموا من اصل الکتاب». درد از دست رفتن یکی از ستاره‌های درخشان مقاومت اسلامی، قلب دوستداران شقافی را جریحه‌دار کرد. اما در عین حال نیل به شهادت که آرزوی همه عاشقان راه خداست، میزان درد و زنجمان را کاهش داد. او می‌دانست که شهادت در راه خدا و لقاء الله پادشاه بزرگی دارد. این در حالی است که اسحاق را این خوک صفت احساس شادمانی کرد و گفت: «برای مرگ شقافی متأسف نیستیم و زندگی بدون او بهتر است». روز چهارشنبه اول نوامبر، در سالگرد صدور پیمان شوم بالفور، وزیر خارجه پیشین انگلیس، پیکر پاک شهید فتحی شقافی طی مراسم باشکوهی تشییع و نزدیک دمشق به خاک سپرده شد. چرا که مقام‌های رژیم صهیونیستی اجازه ندادند در زادگاهش در فلسطین دفن شود.

شامگاه روز شنبه چهار نوامبر سال ۱۹۹۵، اراده خداوند اقتضا کرد تا «ایخال امیر» صهیونیست افراطی اسحاق را این راه به قتل برساند و در دادگاه چنین اعلام کند: «من بشیمان نیستیم، دستور خدا را در حق را این اجرا کرده‌ام». تقدیر چنین بود که اظهارات شادمانه و کینه‌توزانه را این در عرض کم‌تر از یک هفته به او بازگشت و او را از پای در آورد.

یاران امام علی (ع) به ایشان توصیه کردند که مراقب خویش باشند، در رفت و آمدشان جانب احتیاط را رعایت نمایند. چرا که افراد بدخواه در کمین ایشان نشسته‌اند. امام در پاسخ به یارانشان گفتند: «بهترین پاسدار رسیدن اجل من است». دکتر شقافی شیفته سخن حضرت علی (ع) شده بود. از آغاز مبارزه خود را از هرگونه ترس و نگرانی و قید و بندی رها کرد و سبکبال همچون پرندگان به حرکت خستگی‌ناپذیر خود ادامه داد.





در گوشه و کنار کره زمین فاجعه می آفرینند. اما سرزمین فلسطین همچنان پایگاه آزادیخواهان است. مردم فلسطین برای داشتن زندگی برتر و با عزت به مبارزه ادامه می دهند. آنها می خواهند در سرزمین شان تجاوزگری، بی عدالتی و تحریف وقایع وجود نداشته باشد. **فکری و سیاسی شهید شقایی اشاره کردید، آیا ابعاد دیگری از ویژگی های ایشان قابل ذکر می دانید؟**

آری، او شاعر هم بود. یک انسان شاعر، اما از آن دسته شاعران خیال پرداز نبود. او در اشعار خود رویاهای آینده نو و واقعیت های جدید را ترسیم می کرد. به ملت خود نوید امید، نوید پیروزی می داد.

**از دیدارهایتان با شهید شقایی چه خاطراتی دارید؟**

در حقیقت دیدارهایمان مانند دیدارهای برخی روشنفکران که در کافه ها و استوران ها می نشستند و گپ می زدند، نبود. او یک انسان به تمام معنی مجاهد بود و برای وقت خود به شدت ارزش قائل بود. اگر به مجموعه آثار و کارنامه او که از هزار و هفتصد صفحه فراتر رفته رجوع کنید، به این نتیجه می رسید که او تا چه اندازه ژرفنگری داشت. او با بینش سیاسی و آگاهی، مسائل را تحلیل و ریشه یابی می کرد. او در سخنرانی ها و نوشتارهای خود همواره تأکید می کرد که زور مداری و انباشتن اسلحه در صورت نبود عدالتخواهی، در فلسطین صلح نمی آفریند. در صورت عدم به رسمیت شناختن حقوق اولیه مردم فلسطین، کشمکش در این سرزمین تا بی نهایت ادامه خواهد یافت. آینده ما در گرو اراده توده مردم مسلمان است.

او می گفت که فلسطین آیه ای از کلام الله مجید است. هر کسی این آیه را فراموش کند، قرآن کریم را فراموش کرده است. هر کسی قرآن را فراموش کند، آگاهی و بینش خود را از دست داده است. سرزمین فلسطین زوری با خون شهیدان زنده و آفریده می شود، چرا که شهیدان آینده ساز هستند. شهیدان آینده سازان و تاریخ سازان ما هستند و نه سازشکاران و انسان های مرعوب. شما میان شهادت دکتر فتحی شقایی و کشته شدن اسحاق رابین ارتباط قائل شده اید. آیا می توانید این ارتباط را برای خوانندگان شاهد بیان شرح دهید؟

در حقیقت برای ترور شهید فتحی شقایی همه سران رژیم صهیونیستی جلسه فوق العاده تشکیل دادند و شیوه و چگونگی اجرای این طرح را تدارک دیدند. هنگامی که فتحی شقایی به شهادت رسید، اسحاق رابین نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی

**ارزیابی می کنید؟**

شکی نیست که شقایی در برابر طرح های سازشکارانه ایستادگی کرد. من گمان می کنم اگر شهید شقایی هنوز در قید حیات بود، نسبت به دیگری های تلخ و رویدادهای خونین سرزمین فلسطین، میان جنبش فتح به رهبری محمود عباس و جنبش مقاومت حماس تعجب نمی کرد. او بر ضد طرح های سازشکارانه مقاومت می کرد و گروه های فلسطینی را به سوی دشمن صهیونیستی بسیج ورهنمون می نمود. خدا را سپاس می گویم که دکتر رمضان عبدالله جانشین فتحی شقایی و دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین این راه را ادامه می دهد.

پیام ها و تلاش های او را پیگیری می کنم. رمضان عبدالله از آغاز با برگزاری انتخابات مسخره و شرکت در آن و کشمکش های مسخره مخالفت کرد و به مردم فلسطین اعلام کرد که سرنوشت مقاومت است. اراده مقاومت است، مقاومت تنها به معنای سلاح به دست گرفتن نیست. مقاومت را باید با زبان و قلم و سلاح و خون و تظاهرات ادامه دهیم.

گروه ها و جنبش های فلسطینی باید تجربه ۱۵ سال گذشته را ملاک پیش داور خود قرار دهند. همه تلاش های گذشته از کنفرانس صلح مادرید گرفته تا موافقتنامه صلح اسلو و گفت و گوهایی دو جانبه به شکست انجامید. این تلاش ها سودمند نبوده است. با وجودی که حماس در انتخابات شرکت کرد و به پیروزی رسید، این تجربه نیز شکست خورد. البته آن را با شکست مواجه ساختند و آن را سرکوب کردند. بنابراین به جز ادامه مقاومت راه دیگری در برابرمان وجود ندارد. مقاومت تنها گزینه ای است که بر ما تحمیل شده است. خداوند می فرماید: «کتاب علیکم القتال و هو کره لکم». یعنی هیچ کس جنگ را دوست ندارد. اما اگر جنگ تنها راه حل باشد، باید مؤمنان را به جنگ تشویق کنیم. هر چند که ما را متهم کنند که مرگ پرست هستیم، با وجودی که سرتاسر کره زمین به گورستان جمعی تبدیل شده است و قدرت های بزرگ

شهر شهید شقایی



او یک انسان به تمام معنی مجاهد بود و برای وقت خود به شدت ارزش قائل بود. اگر به مجموعه آثار و کارنامه او که از هزار و هفتصد صفحه فراتر رفته رجوع کنید، به این نتیجه می رسید که او تا چه اندازه ژرفنگری داشت. او با بینش سیاسی و آگاهی، مسائل را تحلیل و ریشه یابی می کرد.

این جمله را بیان کرد: «زندگی بدون فتحی شقایی شیرین تر است». او با این سخن، احساساتمان را جریحه دار کرد و در دل دوستداران شقایی آتش برافروخت. همان گونه که در مقاله های خود به این نکته اشاره کرده ام، پس از شهادت دبیرکل جنبش جهاد اسلامی دو هفته نگذشت که خدای متعال دعای دردمندان را اجابت کرد و یکی از صهیونیست های افراطی، رابین را به هلاکت رساند. این یاداشتی است که رابین شایسته آن بود. من تأکید می کنم که «زندگی بدون رابین و امثال رابین شیرین تر است». چرا که آنها جلادان خون آشامی بودند که برای ترور فتحی شقایی توطئه کردند. او در سخنرانی خود در آمریکا اظهار داشت: «خونریزی کافی است! اشک ریختن کافی است! اجازه دهید برادرانه با هم زندگی کنیم». دروغ گفته بود. این دروغگو با این سخنان دروغین توطئه در سر می پروراند. او برای ترور فتحی شقایی لحظه شماری می کرد.

**آخرین سخن شما به مناسبت دوازدهمین سالگرد شهادت فتحی شقایی چیست؟**

بدین مناسبت علاقه مندم سخن او را تکرار کنم. او همواره خداوند را ستایش می کرد که «ما را با جهاد سربلند کرده و در صورت صرف نظر و چشم پوشی از ادامه راه جهاد خوار و ذلیل می کند». خدای بزرگ را ستایش می کنم که عهده دار وظیفه خدمت به اسلام هستم. اکنون اسلام در فلسطین با چالش خطرناکی مواجه است. من از علاقه مندان شهید فتحی شقایی می خواهم پرچمدار اسلام و مدافع فلسطین باشند. محدود کردن آرمان فلسطین به مردم فلسطین توطئه خطرناکی است. چشم پوشی از آرمان فلسطین توهین به ساحت مقدس قرآن و تاریخ و اصالت مسلمانان است. زیباترین ویژگی دکتر فتحی شقایی این است که او در طول زندگی خود، هیچ انسان و هیچ جریان را به خیانت متهم نکرد. هر چند که با او اختلاف نظر داشته باشد. او در توصیف افراد و جریانات مخالف، آنها را «بی اراده و سست» توصیف می کرد و خطاب به مخالفانش چنین می گفت: «اگر راه حل قضیه فلسطین را با شیوه ای که تشخیص داده اید مناسب می دانید، این راه حل را بیازمایید اما به خدا سوگند که این راه سودمند نخواهد بود. به هر حال هر جریانی با شیوه خود راه های گوناگون را آزمود و به بن بست رسید. این بن بست به حدی فاجعه آمیز بود که یاسر عرفات تصمیم گرفت کشته شدن اسحاق رابین را به همسرش تسلیت گوید. اما همسر رابین برای تسلیت عرفات گویی شرط قائل شد. و عرفات این شرط را پذیرفت. همسر رابین به عرفات گفت که اگر خواهان ملاقات با اوست باید جفیفه فلسطینی اش را از سر بردارد. آن گاه می تواند به همسر رابین تسلیت گوید. این در حالی است که عرفات هرگز شهادت شقایی را تسلیت نکفت.

این مناسبت را متعتم می شمارم تا برای آقای محمود احمدی نژاد درود بفرستم و از موضع گیری های او در دانشگاه کلمبیا تجلیل و تقدیر به عمل آورم. بیشتر در مقاله ای نوشته ام که من هنگام نماز سجده برای این مرد دعا می کنم. او مانند هر کسی که مردم را به عدالت و برابری فرا می خواند، مورد آزار و اذیت قرار می گیرد. در آن مقاله گفتم که مردم شهر طایف در عربستان نیز با پیامبر اکرم (ص) بدرقتاری کردند و او را مورد آزار و اذیت قرار دادند. ■

